

خاطرات سردار مریم بختیاری



● غفار پوربختیاری

□ **خاطرات سردار مریم بختیاری (از کودکی تا آغاز انقلاب مشروطه)**
 □ مؤلف: مریم بختیاری
 □ ناشر: آنزان، تهران، چاپ اول، مهر ۱۳۸۲، ۱۹۶ ص، ۱۴۵۰۰ ریال، شابک ۹۶۴-۶۶۹۹-۲۵-۱

کتاب **خاطرات سردار مریم** نوشته بی‌بی مریم بختیاری، از جمله کتاب‌های ارزشمند در زمینه تاریخ ایل بختیاری است. بی‌بی مریم دختر حسینقلی خان، ایلخان بختیاری در عصر ناصرالدین شاه، خواهر علیقلی خان سردار اسعد دوم بختیاری فاتح تهران و خواهر نجفقلی خان مصمصام السلطنه بختیاری نخست‌وزیر دوران مشروطیت است. خاطرات او منبع مهمی برای تاریخ بختیاری از قتل ایلخانی تافتخ تهران محسوب می‌شود. بی‌بی مریم نگارش خاطرات خود را در سال ۱۳۳۶ ق. این آغاز نمود. او خاطرات خود را از زمان کودکی تا هنگام سقوط محمدعلی شاه به دست مشروطه خواهان به نگارش در آورده و از پرداختن به بقیه زندگانی خویش صرف‌نظر کرده است. اگر چه وی دارای سواد اندکی بوده و در سراسر خاطراتش اغلاط و اشتباهات فاحش املائی به وفور دیده می‌شود، اما این امر از اهمیت وقایع تاریخی که او ذکر نموده است نمی‌کاهد.

بی‌بی مریم خاطراتش را با آغاز زندگی خود شروع می‌نماید. سپس به ماجرای قتل پدرش، حسینقلی خان ایلخانی بختیاری و علل و عوامل آن می‌پردازد. او در خصوص قتل پدرش بر این عقیده است که ناصرالدین شاه از قدرت و ثروت ایلخانی هراسناک گردیده، بنابراین تصمیم به نابودی او گرفت. بی‌بی مریم از اسکندر نامی صحبت می‌کند که سرهنگ بوده و از سوی ناصرالدین شاه تحت عنوان سفر حج ولی در حقیقت برای کسب اطلاع از میزان قدرت و ثروت ایلخانی به چهارمحال و بختیاری فرستاده شد. هیچ کدام از منابع دیگر تاریخی که درباره ماجرای قتل ایلخانی و علل آن سخن رانده‌اند، از این شخص نامی نمی‌برند.

به نوشته بی‌بی مریم، اسکندر خان در بازگشت از سفر حج، نزد شاه رفته و اظهار داشت که پایتخت ایران در حقیقت نه تهران بلکه «چاخور» (مرکز حکومت ایلخانی بختیاری) است. سپس از قدرت و ثروت ایلخانی و شکوه و طمطراق کاخ او برای ناصرالدین شاه سخن گفت. از این رو شاه فرمان قتل ایلخانی را به پسرش **ظل السلطان** صادر نمود. ظل السلطان نیز ایلخانی را به اصفهان احضار نمود و در بیست و هفتم رجب ۱۲۹۹ به قتل رساند.

بی‌بی مریم پس از ذکر جریان قتل پدر به تشریح اوضاع خانواده

بی‌سرپرست ایلخانی می‌پردازد. او در ابتدا شمه‌ای درباره هریک از برادران و خواهران خود سخن گفته و به خصوصیات و صفات روحی آنها می‌پردازد. سپس جریان آوارگی و در بدری خانواده ایلخانی مقتول را به صورتی غم‌انگیز، ولی در عین حال جالب و جذاب توضیح می‌دهد. همچنین از ذکر ظلم و ستم ظل السلطان و مأمورینش از یک سو و اذیت و آزار برادران ایلخانی به نام‌های امامقلی خان (حاج ایلخانی) و رضاقلی خان (ایل بیگی) و پسران آنها نسبت به خانواده بی‌صاحب ایلخانی فروگذار نمی‌کند. حضور دو پسر نور چشمی ایلخانی یعنی اسفندیار خان (سردار اسعد اول) و علیقلی خان (سردار اسعد دوم) در زندان ظل السلطان بیش از پیش باعث فلاکت و بدبختی این خانواده شده بود. خانواده‌ای که در زمان حیات ایلخانی از قدرت، ثروت و رفاه و تجمل برخوردار بود.

با این وجود هفت سال پس از قتل ایلخانی، ظل السلطان معزول شد و اسفندیار خان، پسر بزرگ ایلخانی که همچنان در زندان مانده بود آزاد گردید و در بختیاری به قدرت رسید. اگر چه با آزادی او و کسب اقتدار سابق، بار دیگر دوران خوشبختی خانواده ایلخانی آغاز گردید، اما خوشحالی بی‌بی مریم به گفته خودش دیری نپایید زیرا که ایام عروسی او نزدیک شده بود. بی‌بی مریم چهل روز پس از تولد، نامزد علیقلی خان، پسر محمدعلی خان چهارلنگ شده بود. اما ازدواج آن دو پس از قتل ایلخانی و مرگ محمدعلی خان سرگرفت و بی‌بی مریم در سن پانزده سالگی به خانه شوهر رفت. پس از ازدواج با خان چهارلنگ صاحب دو پسر به نام‌های **علی مردان خان** و **محمدعلی خان** شد که اولی بعدها در مقابل رضا شاه قیام بختیاری‌ها را رهبری کرد و پس از شکست تبرباران شد.

بی‌بی مریم با مرگ شوهرش به نزد خانواده پدری بازگشت. پس از مدتی زندگی نزد برادران خویش به ازدواج عموزاده‌اش فتح‌الله خان ضیغم السلطنه (سردار ارشد بعدی) درآمد. این ازدواج بر اثر سماجت بسیار فتح‌الله خان و اصرار برادران بی‌بی مریم سرگرفت و گرنه خود وی هرگز راضی به آن نبود. اما شوهر دوم او مرد زندگی نبود و بی‌بی مریم در لابلای صفحات خاطرات خویش به کرات از عدم توجه او به خانواده و بی‌بند و باریش شکوه می‌نماید. سرانجام بی‌بی مریم پس از اینکه متوجه شد که شوهرش اصلاح‌پذیر نیست از او جدا شد و به تربیت تنها فرزند خویش از شوهر دوم مشغول گردید. او خاطرات خود را با ذکر رویدادهای استبداد صغیر و آماده شدن بختیاری‌ها به فرماندهی برادرش علیقلی خان سردار اسعد برای حمله به تهران خاتمه می‌دهد. بی‌بی مریم در واقعه فتح تهران و براندازی محمدعلی شاه مشوق برادران خویش بوده و نقش مهمی ایفا نمود. او در جنگ جهانی اول نیز طرفدار آلمان و عثمانی و دشمن روس و انگلیس بود. وی در این جنگ کنسول آلمان در اصفهان را از چنگ سربازان روس نجات داد و مدت‌ها در خانه خود پناه داد. امپراتور آلمان نیز با شنیدن این جریان، تمثال جواهر نشان خود را به همراه هدایای دیگر به پاس قدردانی از او برایش فرستاد و بی‌بی مریم از آن پس به «سردار مریم» مشهور گردید.

کتاب «خاطرات سردار مریم» نوشته بی‌بی مریم بختیاری، از جمله کتاب‌های ارزشمند در زمینه تاریخ ایل بختیاری است که خاطرات او را از زمان کودکی تا هنگام سقوط محمدعلی شاه به دست مشروطه خواهان در برمی‌گیرد